



گفت‌وگو با آتش نشانان زن سازمان آتش نشانی شهر کرمان؛

وقتی که زنان

به دل آتش می‌زنند



سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی کرمان



هویت اجتماعی

-مریم حیدری مقدم-

هویت اجتماعی هر فرد تشکیل شده از شخصیت، خصوصیات و باورهای شخصی که آن فرد نسبت به خود دارد. عوامل متعددی بر شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد تاثیر دارند. عوامل جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تربیتی، وجود الگوها و ارزش‌ها همگی بر نحوه شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد اثر دارند. طبق نظریه «آنتونی گیدنز» جامعه‌شناس؛ مولفه‌هایی چون اعتماد به نفس، میزان رضایت از خود در اجتماع، گستره شبکه ارتباطی و میزان عقلانیت یک فرد هم در هویت اجتماعی اثر دارند و البته از اثر میزان تحصیلات خود فرد و حتی میزان تحصیلات والدین و میزان درآمد افراد هم نباید غافل شد.

بدون هویت اجتماعی جامعه‌ای در کار نیست و این هویت اجتماعی است که نحوه ارتباط فرد با دیگران و مسیر و اهداف زندگی‌اش را مشخص می‌کند. هویت اجتماعی خود متشکل از هویت دینی، هویت ملی، هویت قومی، هویت گروهی و هویت جنسی است که در شماره‌های آینده به اختصار در مورد هر کدام توضیح خواهیم داد.

۲/ هویت اجتماعی

۳/ معرفی کتاب نوجوانان / مجموعه کتاب‌های سواد مالی برای کودکان

۳/ معرفی کتاب بزرگسال / آنچه نمی‌خواهند درباره پول بدانید

۳/ معرفی فیلم / گرگ وال استریت

۴/ به مناسب ۱۶ مهرماه، روز کودک / آموزش‌های بخش

۵/ سفر خودباوری: دور ریختن زباله‌ها

۶/ هدفمندی زنان موفق

۷/ قوانین شارژ ساختمان

۸/ وقتی که زنان به دل‌آتش می‌زنند

۱۱/ به بهانه روز کرمان شناسی / کرمانی که نمی‌شناسیم!

۱۲/ ویژگی‌های یک شوینده‌ی مناسب برای صورت

۱۳/ شاهنامه / داستان فریدون با وکیل ضحاک

۱۴/ اجبار ما را قوی کرد

۱۶/ داستان / چو اندازی

۱۷/ آیا امروز با روایت سروکار داریم؟

۱۸/ جشن مهرگان

۱۹/ فنگ شویی و فرهنگ ایرانی

۲۰/ سهم ناچیز زنان از اشتغال صنعتی



معرفی فیلم گرگ وال استریت

گرگ وال استریت (The Wolf of Wall Street) یک فیلم آمریکایی در ژانر کمدی سیاه و زندگی‌نامه‌ای به کارگردانی مارتین اسکورسیزی است که در ۲۰۱۳ منتشر شد. این فیلم به‌طور کلی نقدهای مثبتی از سوی منتقدان دریافت کرد و با چندین انتقادات اخلاقی نیز روبه‌رو بود. این فیلم نامزد چندین جایزه از جمله پنج جایزه در هشتماد و ششمین دوره جوایز اسکار شد؛ بهترین فیلم، بهترین کارگردانی، بهترین فیلم‌نامه اقتباسی بهترین بازیگر نقش مرد، برای دی‌کاپریو و بهترین بازیگر نقش مکمل مرد، برای هیل.

خلاصه فیلم: در سال ۱۹۸۷، جردن ل. فورت به عنوان کارگزار بورس وال استریت در شرکت کارگزاری L.F. Rothschild، زیر نظر مارک هانا مشغول به کار می‌شود. او به سرعت شیفته ی رسم و رسوم کارگزاران بورس در مصرف مواد مخدر و اعتقادات هانا می‌شود که باور دارد تنها هدف یک کارگزار، درآوردن پول است. جردن در دوشنبه سیاه‌بزرگ‌ترین رکود بازار سهام در طی یک روز در تاریخ آمریکا، شغل خود را از دست می‌دهد و در یک شرکت کارگزاری کوچک در لانگ آیلند که مخصوص سهام خرد است، مشغول به کار می‌شود. به لطف استعدادی که جردن در متقاعد کردن مشتری‌ها دارد و همچنین بالا بودن کمیسیون‌های این سهام، جردن پول نسبتاً خوبی به جیب می‌زند. جردن با همسایه خود دنی آرزوف دوست می‌شود و این دو شرکت خود را تأسیس می‌کنند. آن‌ها چندین نفر از دوستان جردن که در کار چاقی کثیف مهارت دارند را استخدام می‌کنند. تاکتیک‌ها و شگردهای جردن در فروش سهام که در واقع نوعی کلاهبرداری است، تا حد زیادی به موفقیت آن‌ها کمک می‌کند. جردن برای اینکه بتواند روی این کلاهبرداری‌ها سرپوش بگذارد و به نوعی به آن اعتبار ببخشد، در سال ۱۹۸۹ شرکت Stratton Oakmont را تأسیس می‌کند. پس از مشهور شدن جردن در فوربز، صدها سرمایه‌گذار جوان بلندپرواز به شرکت او سرازیر می‌شوند. جردن روز به روز موفق‌تر می‌شود و به عیاشی و مواد مخدر روی می‌آورد. هنگامی که همسر جردن متوجه می‌شود که او با زنی به نام نانومی لاپاکلیا رابطه دارد، او را طلاق می‌دهد و در سال ۱۹۹۱ با نانومی ازدواج می‌کند. در همین حین، کمیسیون بورس آمریکا و FBI، تحقیقات خود بر روی Stratton Oakmont را آغاز می‌کنند. در سال ۱۹۹۳، جردن پس از عرضه اولیه سهام استیو مدن، به‌طور غیرقانونی در مدت سه ساعت، ۲۲ میلیون دلار درآمد کسب می‌کند. این موضوع باعث می‌شود تا او و شرکتش بیشتر مورد توجه FBI قرار بگیرد. جردن برای پنهان کردن پول خود، به کمک یک بانکدار فاسد سوئیسی به نام سول، یک حساب بانکی را در سوئیس به نام اما خاله همسرش که اهل انگلیس است باز می‌کند تا دور از دسترس مقامات آمریکایی باشد. او با کمک همسر و دوستش برد بودنیک که گذراننده اروپایی دارند پول‌ها را به سوئیس قاچاق می‌کنند. در حین یک نزاع خیابانی بین دنی و برد، برد دستگیر می‌شود اما دنی فرار می‌کند. برد، دنی و جردن را به پلیس لو نمی‌دهد. جردن از طریق کارآگاه خصوصی خود می‌فهمد که FBI در حال شنود تماس‌های وی است. پدر جردن به او توصیه می‌کند که Stratton Oakmont را ترک کند و از کار فاصله بگیرد اما جردن طاقت دوری از کار را ندارد. در سال ۱۹۹۶، جردن، دنی و همسرانشان اما جردن طاقت دوری از تفریحی به ایتالیا متوجه می‌شوند که خاله نانومی بر اثر سکته قلبی فوت کرده‌است. جردن تصمیم می‌گیرد بلافاصله برای تسویه حساب بانکی به سوئیس سفر کند. برای دور زدن بازرسی‌های مرزی، با قایق بادبانی خود به موناکو می‌رود اما قایق در طوفان غرق می‌شود. پس از نجات آن‌ها، هوایماری فرستاده شده برای انتقال آن‌ها به ژنو به‌طور تصادفی نابود می‌شود. جردن این اتفاق را به عنوان معجزه‌ای از طرف خدا تلقی می‌کند و تصمیم می‌گیرد تا به خودش بیاورد. دو سال بعد، FBI جردن را دستگیر می‌کند زیرا سول که در فلوریدا به خاطر اتهامات نامربوطی دستگیر شده بود، جردن را به FBI لو می‌دهد. از آنجا که شواهد علیه جردن بسیار زیاد است، جردن موافقت می‌کند تا در ازای تخفیف مجازاتش، شواهدی علیه همکاران خود جمع‌آوری کند. نانومی در خانه به جردن می‌گوید که از او طلاق می‌گیرد و خواستار حضانت کامل دختر و پسر نوزادشان است. کمی بعد، جردن برای همکاری با FBI شتودی به خود وصل می‌کند اما با یادداشتی این موضوع را به دانی هشدار می‌دهد. اما FBI به این موضوع پی برده و جردن را دستگیر می‌کند و به Stratton Oakmont حمله کرده و آن را تعطیل می‌کند. جردن علیرغم نقض عهد خود، به دلیل شهادت دادنش، از کاهش مجازات ۳۶ ماهه در یک زندان امنیتی برخوردار می‌شود و پس از گذراندن ۲۲ ماه آزاد می‌شود. پس از آزادی، جردن را می‌بینیم که در سمیناری در مورد تکنیک‌های فروشندگی در حال سخنرانی است.

شماره به معرفی کتاب‌های مفید در این حوزه می‌پردازیم.
باید بدانیم بهترین زمان آموزش، دوران کودکی فرد است و در مورد سواد مالی هم این مطلب صدق می‌کند و والدینی که خود سواد مالی اندکی دارند نمی‌توانند راهنمای خوبی برای فرزندشان باشند.
طراح و سازنده زیورالات طلا و نقره و مدرس دانشگاه.
instagram: elhammohamadi.academy

الهام محمدی* - در طول سال‌های فعالیتیم در این حوزه و مشاوره‌هایی که برای کسب و کار و سرمایه‌گذاری داشته‌ام، به این مهم دست یافته‌ام که مدیریت پول و درآمد و سواد مالی یکی از مهمترین و اصلی‌ترین عوامل موثر بر کیفیت زندگی و میزان ثروت و درآمد افراد است. برکسی پوشیده نیست که سبک زندگی افراد و سلامت جسمی و روانی آنان به میزان درآمد و ثروتشان بستگی مستقیم دارد، لذا در این

معرفی کتاب نوجوانان

مجموعه کتاب‌های سواد مالی برای کودکان



داستان به کودکان آموزش می‌دهد. از جمله مفاهیم مالی اساسی که در مجموعه مدیریت مالی برای کودکان، با حکایت‌هایی جذاب به آن پرداخته شده شامل موارد زیر است:

- مفهوم پول توجیبی - تفاوت نیاز و خواسته - کارآفرینی و فروش - کار و همکاری
- هدیه دادن - فرایند تولید کالا - ساده‌زیستی و لذت بردن از زندگی - پول توجیبی
- خرید و تبلیغات - شغل و کسب درآمد - نگهداری از اموال

و دبستان دوره اول، نوشته شده است. مجموعه کتاب سواد مالی برای کودکان را در ایران، توسط آکادمی آموزش سواد مالی با همکاری انتشارات قدیانی همراه با کمک بهترین مترجمان چاپ و منتشر می‌کند. هر کدام از جلد‌های مجموعه کتاب آموزش سواد مالی به کودکان، یک داستان مجزای کودکانه و مصور دارد که به افزایش هوش و سواد مالی کودکان و مدیریت اقتصادی کودکان کمک می‌کند. آموزش سواد مالی یکی از مهمترین مهارت‌هایی است که کودکان باید آن را فرا بگیرند. این دانش ارتباط مستقیمی با موفقیت کاری و اقتصادی کودکان در آینده دارد.

خلاصه مفاهیم اصلی مجموعه کتاب سواد مالی برای کودکان

کتاب آموزش سواد مالی به کودکان مجموعه ۲۲ جلدی است که موضوعات مختلف مربوط به سواد مالی را در قالب

در دنیای پرشتاب امروزی که پول و مدیریت سرمایه می‌تواند بر تمامی جنبه‌های زندگی افراد یک جامعه تأثیر بگذارد، آموزش سواد مالی به کودکان از سنین پایین ضرورت یافته است. یافته‌های موجود بیانگر این مطلب هستند که عادت‌های مالی در کودکان تا ۷ سالگی شکل می‌گیرند. به همین دلیل بسیار مهم است که والدین به هوش مالی کودکان توجه داشته و از ابزار صحیح برای آموزش آن‌ها استفاده کنند. در این راستا کتاب‌های سواد مالی برای کودکان می‌توانند نقش مؤثری را ایفا ساخته و به والدین کمک شایانی ارائه سازند.

معرفی مجموعه کتاب‌های سواد مالی برای کودکان، از انتشارات قدیانی؛

مجموعه کتاب‌های آموزش سواد مالی به کودکان، در ۲۲ جلد توسط گروهی از نویسندگان برای گروه سنی پیش از دبستان

معرفی کتاب بزرگسال

آنچه نمی‌خواهند درباره پول بدانید



کارتش را آغاز کرده، والدینی که می‌خواهند پایه‌های مالی قوی برای فرزندانشان فراهم کنند، یا کسانی که می‌خواهند سواد مالی خود را بهبود دهند، منبع ارزشمندی است و خواندنش برای هرکسی که می‌خواهد به موفقیت مالی بلندمدت دست یابد، پیشنهاد می‌شود.

امید که با آموزش و فراگیری دانش سواد پولی و مالی آینده بهتری برای خود و عزیزانمان بسازیم و از منبع بیکران ثروت و برکت الهی، بهره‌ی مضاعف ببریم.

اما نمی‌دانند باید به چه کسی و کجا مراجعه کنند؛ چون همواره این نگرانی را دارند که احتمق فرض شوند. مدیریت پول چیزی نیست که در مدرسه، دانشگاه یا محل کار آموخته باشیم؛ بنابراین پیدا کردن اطلاعات موثق، دقیق و مستقل درباره پول دشوار است. «کلر برت» در این کتاب درس‌ها و تجربه‌هایی را با خوانندگان به اشتراک می‌گذارد که می‌توانند آن‌ها را از سردرگمی درآورد و زندگی‌شان را تغییر دهد. این کتاب در واقع راهنمای جامعی برای کسب سواد مالی است و کمک می‌کند افراد درک عمیق‌تری از نحوه‌ی مدیریت پول و ساختن عادت‌های مالی رشددهنده پیدا کنند. این کتاب برای جوانی که تازه

و اما بخش جذاب‌تر این مقاله، معرفی کتاب‌های مفید در حوزه سواد مالی برای بزرگسالان و جوانان می‌باشد که آینده‌سازان ایران عزیز هستند، می‌باشد.

کتاب «آنچه نمی‌خواهند درباره پول بدانید» پول اساساً مقوله‌ای پیچیده است و زبانش سرشار از اعداد ترسناکی که تعداد معدودی از افراد آن را درک می‌کنند. واقعیت این است که باتوجه به هزینه‌های سرسام‌آور امروزی، سروکله‌زدن با مسائل پولی افراد را حتی در بهترین حالت مضطرب می‌کند. به علاوه، بارها پیش آمده است که مردم پرسش‌هایی درباره‌ی پول دارند و می‌خواهند جوابش را بدانند؛



به مناسب ۱۶ مهرماه، روز کودک

آموزش رهایی بخش

عمل در آن را پیدا کنند. عمل و تأمل؛ فریره به مفهوم «عمل مبتنی بر تأمل» تأکید دارد، به این معنا که دانش‌آموزان باید نه تنها یاد بگیرند، بلکه از آن آموخته‌ها در عمل استفاده کنند و تجربه‌های خود را مورد تأمل قرار دهند.

مقابله با فرهنگ سکوت؛ به معضل فرهنگی اشاره دارد که در آن افراد به دلیل نداشتن صدای کافی و حمایت اجتماعی قادر به بیان نظر و نیازهای خود نیستند. آموزش رهایی بخش به مقابله با این فرهنگ سکوت کمک می‌کند.

فراهم‌سازی فضای یادگیری؛ معلمان باید فضایی را فراهم کنند که در آن، دانش‌آموزان بتوانند آزادانه با همدیگر گفتگو کنند، سوال بپرسند و نظرات خود را بیان کنند.

بنابراین آموزش رهایی بخش فریره بر ضرورت ایجاد تحولی بنیادین در نظام تعلیم و تربیت تأکید دارد که در آن یادگیرندگان به عنوان بازیگران فعال و خودآگاه در فرآیند یادگیری و تغییر اجتماعی درگیر می‌شوند. هدف نهایی این نوع آموزش، توانمندسازی افراد برای تحقق حقوق خود و نقش فعال در جامعه است.

این رشد باید کودکان را برای داشتن یک زندگی فعال در جامعه ای آزاد، آماده سازد.

«پائولو فریره» مربی برزیلی به آموزش رهایی بخش می پردازد. منظور او از آموزش رهایی بخش، فرایندی است که هدف آن توانمندسازی افراد و ترویج تفکر انتقادی است. «فریره» بر این باور است که آموزش باید به عنوان یک عمل سیاسی و اجتماعی در نظر گرفته شود که می‌تواند به رهایی افراد از وضعیت‌های غیرمنصفانه و نابرابر کمک کند. از نظر «فریره» آموزش رهایی بخش دارای اصول اساسی است که شامل موارد زیر است:

دیالوگ: فریره بر اهمیت دیالوگ در فرایند آموزش تأکید دارد. او معتقد است که یادگیری باید از طریق ارتباطات دوطرفه و گفتگوهای فعال میان معلم و دانش‌آموزان شکل بگیرد.

آگاهی انتقادی: آموزش باید به افراد کمک کند تا نسبت به شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود آگاه شوند و بتوانند آن‌ها را تحلیل کنند. آگاهی انتقادی به افراد این امکان را می‌دهد که درک عمیق‌تری از جهان خود داشته باشند و توانایی



-زهرا قاسم زاده/

دکتری جامعه‌شناسی-

۱۶ مهرماه در ایران روز کودک نام گرفته است. در بسیاری از کشورها در مورد کودکان قوانین متعددی تدوین شده است، اما یک متن جهانی وجود دارد که برای حمایت از حقوق کودکان تدوین شده و «پیمان نامه جهانی حقوق کودک» نام دارد. پیمان نامه جهانی حقوق کودک، پس از ده سال گفتگو بین کشورهای عضو سازمان ملل در سال ۱۳۶۷ به اجرا درآمد. کشور ایران هم در سال ۱۳۷۳ به صورت مشروط این پیمان را امضاء کرد.

ماده ۲۸ پیمان نامه جهانی حقوق کودک به حق آموزش کودکان پرداخته است، این که همه کودکان باید بتوانند درس بخوانند و آموزش حق تمامی کودکان است. در ماده ۲۹ این پیمان نامه به آموزش ارزش‌ها به کودکان پرداخته شده است که هدف آموزش و پرورش باید رشد دادن شخصیت و توانایی‌های کودکان آن هم به کامل‌ترین شکل ممکن باشد.



سفر خودباوری: دور ریختن زباله‌ها

- لیدا صباغ کرمانی /

دانشجوی دکتراروانشناسی-

اولین قدم برای رسیدن به خودباوری، این است که سموم احساسی زندگی خود را بشناسید و آنها را از زندگی خود کنار بگذاریم تا بتوانیم خودمان را همان طور که هستیم، بپذیریم. در این قسمت به دومین قدم در جهت خودباوری می‌پردازیم که یک قدم مهم و اساسی است. خودباوری یک انتخاب است، حق مادرزادی نیست. کودکی که با به این دنیا می‌گذارد، دنیا را براساس روابط اولیه خود تجربه میکند؛ در واقع این روابط، تصاویری از کودک منعکس می‌کنند تا او خودش را تعریف کند. اگر این پیام‌ها مثبت باشند، کودک احساس خودباوری پیدا میکند و اگر هم منفی باشند، کودک از تجربه حس خودباوری محروم می‌شود.

برخی از کودکان در خانواده‌هایی متولد می‌شوند که در آن پدر و مادر، آمادگی والدگری در جهت رشد سالم فرزندان را ندارند. برخی دیگر از والدین نیز خودشان، کودک هستند. والدین می‌خواهند صاحب فرزند شوند تا کودکان بیچشم داشت به آنها محبت کنند. بسیاری از کودکان به خصوص آنهایی که در

خانواده‌های فاقد خودباوری متولد شدند، برای رشد سریع تحت فشار هستند که اصطلاحاً به آن «سندرم کودک عجول» می‌گویند. کودکان عجول به جای اینکه از دوران کودکی خود لذت ببرند، با مسئولیت‌های سنگین روبه رو می‌شوند. آنها مجبور هستند طبق برنامه‌ها، قواعد و قوانین مشخص رفتار کنند و زندگی کنند تا دوست‌داشتنی تلقی شوند. عاملی که نقش مهمی در خودباوری دارد، این است که آیا در کودکی پیام‌هایی که این احساس را در ما تقویت کند دریافت کرده‌ایم یا خیر؟ آیا به انتخاب‌ها، استعدادها و برنامه‌هایمان بها داده شده است؟ تصور کنید در زمان تولد به شما یک سبد بزرگی داده‌اند. در سال‌های اولیه زندگی، پیام‌هایی که به شما انرژی، امیدواری، مهارت و شایستگی می‌دهد، در واقع «پیام‌های گل» زندگی شما هستند. اما پیام‌هایی که به شما احساس نابسندگی، گناه، ترس و حقارت می‌دهد «پیام‌های زباله» شما هستند که به شما احساس بدی می‌دهند.

برخی پیام‌های زباله: احساسات واقعی خود را پنهان کن. اعتماد نکن. کاری که می‌کنی از کسی که هستی مهم تر است. پسرها گریه نمی‌کنند.

زنان نباید خشمگین شوند. جایی برای اشتباه کردن وجود ندارد. کمالگرا باش. پول زیاد باعث ارزشمندی تو می‌شود. تو به اندازه کافی خوب نیستی. دیگران بهتر از تو هستند و ...

برخی پیام‌های مثبت: به تو افتخار می‌کنم. تو آدم منحصر به فردی هستی و قابل مقایسه با دیگران نیستی. تو ارزشمندی و نیازی به هیچ دلیلی ندارد. تو همین طور که هستی دوست‌داشتنی هستی. تو یک انسانی و اشتباه کردن طبیعی است و می‌توانی جبرانش کنی. تو توانمند هستی و از پیش برمی‌ای و ...

این پیامها در دوران کودکی ما به هر دلیلی در سبد ما قرار گرفته‌اند، اما اکنون که به سن بزرگسالی رسیده‌ایم و آگاه شدیم، حق انتخاب داریم. باید بدانیم خودباوری یک انتخاب است، حق مادرزادی نیست. در انتخاب کردن، قدرت التیام بخشی وجود دارد حتی اگر مربوط به واقعیت‌های دردناک باشد. برای انتخاب‌های آگاهانه ابتدا باید به گذشته برگردیم و بررسی کنیم حقیقت چیست سپس در مورد این پیامها و احساسات تجدید نظر کنید و زباله‌های ذهنی خود را دور بریزیم.

باید بدانیم خودباوری
یک انتخاب است،

حق مادرزادی نیست.

در انتخاب کردن، قدرت

التیام بخشی وجود

دارد حتی اگر مربوط به

واقعیت‌های دردناک

باشد.



هدفمندی زنان موفق

فقط داشتن هدف یا اهداف و نوشتن آنها دلیل کافی برای رسیدن به اهداف نیست، داشتن نقشه ی راه و کارهایی که باید برای هر هدف انجام دهیم و لیست کردن و نوشتن فهرست روزانه و انجام آنها» همان چک لسیت روزانه» و برنامه ریزی فردی براساس شرایط خاص زندگی فردی و شغلی و خانوادگی مان ضرورت دارد.

غنیمت شمردن وقت، برترین ویژگی زنان و به طور کل انسان های موفق است. آن ها برای تمام ساعات روز خود یک کار خاص دارند و برای آن برنامه ریزی می کنند. زنان موفق وقت خود را برای کارهای بیهوده تلف نمی کنند، بلکه بالاترین بهره وری را از اوقات روز خود دارند. به عنوان مثال نمونه ی برنامه روزانه ی یک بانوی موفق را عرض می کنم: سحرخیزی، نوشتن برنامه روزانه، خوردن کامل صبحانه ی سالم و مفید، ورزش، گوش کردن به موسیقی، مدیتیشن و منتظر شماره ی بعدی نشریه و صحبت از کارفرینی و استقلال مالی زنان، باشید.

• یادگیری زبان

• روزی ۳۰ دقیقه پیاده روی

اما برای یک زن موفق شدن، چگونه باید هدف گذاری کنیم؟ از چه کسی کمک بگیریم و از کجا بدانیم هدفی که انتخاب کرده ایم مناسب ماست؟ چه چیزی بهتر از این که جواب این سوالات را از زبان یک زن موفق بشنوید؟

اپرا وینفری، که نویسنده ی کتاب راه روشن است، از خواننده می خواهد که یک بار برای همیشه مسیر درست زندگی اش را انتخاب کرده و با اشتیاق و عزمی راسخ به دنبال تحقق اهدافش باشد. البته



غنیمت شمردن وقت،

برترین ویژگی زنان و

به طور کل انسان های

موفق است.

-الهام محمدی-

همان طور که در شماره قبل اشاره شده و مطالعه فرمودید، از ویژگی های زنان موفق صحبت کرده و چند مورد مهم تر رو به اختصار روشن تر بیان کردیم تا چراغ راهی برای مطالعه و یادگیری بیشتر شما عزیزان باشد. در این شماره مورد مهم دیگری که در زندگی همه ما نقش اصلی و دلیل و انگیزه ی زندگی و بیداری هر روزمان است را بررسی می کنیم. بله... هدف و داشتن برنامه ی متمرکز بر آن!

هدفمندی

اگر سری به اتاق افراد موفق بزنید بدون شک نوشته هایی را پیدا می کنید که در مورد اهداف خود نوشته اند. برای مثال اهداف زیر، هدف های کوتاه مدت یا بلندمدت یک زن موفق در حوزه خانواده، شغل، تحصیلات و سلامتی است:

- گنجاندن غذاهای دریایی و گیاهی در برنامه غذایی خانواده
- یافتن ایده های جدید و ناب در حوزه کاری
- مطالعه کتاب های توسعه فردی



قوانین شارژ ساختمان

- حانیه محمدی قناتگستانی /
کارشناس حقوقی-

بسیاری از افراد فکر می‌کنند شارژ ساختمان هم مانند مهریه، کی داده و کی گرفته است، اما قانون به صراحت می‌گوید: «اگر مالک واحدی از ساختمان شارژ خود را پرداخت نکند، می‌توان از او دریافت کرد حتی اگر در آن ساختمان ساکن نباشد و زندگی نکند.»

طبق ماده ۱۰ قانون تملک آپارتمان‌ها، اگر مالک یا استفاده کننده از پرداخت سهم خود از هزینه‌های مشترک ساختمان امتناع کند، مدیر یا هیئت مدیران می‌توانند برای او اظهارنامه ارسال کنند و اگر ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه، سهم بدهی خود را نپردازد، مدیر یا هیئت مدیران می‌توانند به تشخیص خود و با توجه به امکانات از دادن خدمات مشترک از قبیل شوفاژ، تهویه مطبوع، آب گرم، برق، گاز و غیره به او خودداری کنند و در صورتی که مالک و یا استفاده کننده همچنان اقدام به تسویه حساب ننماید اداره ثبت محل وقوع آپارتمان به تقاضای مدیر یا هیئت مدیران برای وصول وجه مزبور

بر طبق اظهارنامه ابلاغ شده، اجراییه صادر خواهد کرد. اگر عدم استفاده از خدمات مشترک ممکن یا موثر نباشد، مدیر ساختمان می‌تواند به مراجع قضایی رجوع کند. دادگاه‌ها موظف هستند به این موضوعات خارج از نوبت، رسیدگی کنند و می‌توانند تا دو برابر مبلغ بدهی به نفع مجموعه جریمه نمایند.

حالا لازم است بگوییم شارژ ساختمان شامل چه مواردی است:

- ۱- هزینه نگهداری و تعمیرات تجهیزات ساختمانی: شامل تعمیر آسانسور، سیستم‌های سرمایشی و گرمایشی، سیستم‌های برقی و لوله کشی، بازسازی و نوسازی.

- ۲- هزینه نظافت و بهداشت ساختمان: شامل نظافت قسمت‌های عمومی و مشترک ساختمان مانند راه پله‌ها، حیاط، راهرو، پارکینگ، لابی ساختمان و...

- ۳- هزینه امنیتی ساختمان و نگهبان: شامل حقوق سرایدار و نگهبان، دوربین‌های مدار بسته، دزدگیر و...

- ۴- هزینه فضای سبز و باغبانی: شامل خرید و کاشت درختان، خرید

گل و گیاه، هرس کردن، سم پاشی گیاهان و...

- ۵- هزینه اداری: شامل حقوق مدیر و هیئت مدیره، جلسات و تصمیم‌گیری‌ها، حسابداری و ثبت اسناد مالی، کارهای حقوقی و قانونی.

- ۶- هزینه مصرفی: شامل هزینه برق، آب، گاز قسمت‌های مشترک، هزینه تامین آب برای گیاهان و...

- ۷- هزینه بیمه ساختمان بر اساس قانون هزینه‌های تعمیرات کلی و اساسی ساختمان بر عهده مالک است؛ اما پرداخت هزینه‌های جزئی که صرفاً برای استفاده بهتر از واحد می‌باشد بر عهده مستاجر است. اما شارژ ماهیانه که توسط مدیر و مجمع عمومی تعیین شده را مستاجر باید بپردازد.

روشهای محاسبه شارژ ساختمان:

۱. بر اساس مترآژ
۲. بر اساس نفرات
۳. بر اساس واحد
۴. بر اساس تعداد نفرات و مترآژ
۵. بر اساس تعداد نفرات و واحد
۶. بر اساس واحد و مترآژ
۷. بر اساس واحد، نفرات و مترآژ

گفت‌وگو با آتش نشانان زن سازمان آتش نشانی شهر کرمان؛

وقتی که زنان به دل آتش می‌زنند



چه چیزی از این شغل برایشان جذابیت دارد؟ به عنوان یک زن چه محدودیت‌هایی در کارشان وجود دارد؟ چه عملیاتی را بیشتر دوست دارند؟ نگاه و واکنش مردم و حادثه‌دیدگان در برخورد با یک زن آتش نشان چگونه است؟ وضع امکانات و تجهیزات آتش نشانی کرمان به چه صورت است؟ و یک خاطره از عملیات خود تعریف کنند. آنچه در ادامه می‌آید حاصل این گفت‌وگوهاست.

... نیز شرکت می‌کنند. به مناسبت روز آتش نشان و برای اینکه از آنچه که این زنان آتش نشان انجام می‌دهند بیشتر بدانیم گفت‌وگویی با ربابه قائم‌پناه، نفیسه جعفری، مریم ذوالعلی و نغمه مویدی، انجام داده‌ایم و از این چهار زن آتش نشان سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری کرمان خواستیم تا از این بگویند که چرا این شغل را انتخاب کردند؟ تلخ‌ترین قسمت کارشان چه چیزی است؟

-پریا زندوئوقی-

خیلی سال است دیگر این باور که آتش نشانی شغلی مردانه است جدی گرفته نمی‌شود. شهروندان کرمانی در بسیاری از حوادث، شجاعت و شهمت و تلاش آتش نشانان زن را به چشم دیده‌اند. زنانی که به دل آتش می‌زنند تا جان و یا مال کسی را نجات بدهند. فرونشاندن آتش تنها بخشی از عملیاتی است که این زنان شجاع انجام می‌دهند. آنها در حوادثی مانند، بروز تصادفات رانندگی، امداد حلقه و

شغل آتش نشانی عشق و علاقه می خواهد



وفق دهیم و در کارمان موفق باشیم و بدون هیچ عیب و نقیصی کارمان را انجام دهیم. وی افزود: با همت و پشت کار و تلاش مضاعف و بی وقفه مدیر عامل محترم سازمان فعلا از نظر امکانات و تجهیزات در وضعیت نرمال و خوبی هستیم اما یکسری کمبودها داریم که مدیرعامل پیگیر رفع آن هستند.

ربابه قائم‌پناه، متولد اول آذرماه سال ۱۳۶۰ و دارای مدرک لیسانس آتش نشانی است. او از سال ۱۳۸۵ در این حوزه خدمت می‌کند و ۱۸ سال سابقه کار دارد.

او اظهار می‌کند: خوشبختانه شغل ما در میان مردم جایگاه خوبی دارد. وقتی یک آتش نشان خانم را می‌بینند در رابطه با شغل ما و اینکه چگونه وارد این عرصه شده‌ایم خیلی سوال می‌پرسند و بسیار استقبال می‌کنند.

در ادامه قائم‌پناه به اینکه چه چیزی در این شغل برای او جذابیت بیشتری دارد می‌پردازد: شغل آتش نشانی شغلی سخت و خطرناک و پر خطر است این شغل واقعا برای من جذاب است. واقعا عشق می‌خواهد و ماجراجویی و شهامت. در این حرفه باید همیشه آمادگی جسمانی حفظ شود، به همین دلیل مدام در حال آموزش هستیم و از تجهیزات قدرتمند استفاده می‌کنیم. به نجات جان انسان‌ها و کمک به هم نوعان نیز می‌پردازیم. وی درباره‌ی محدودیت‌های خود در کار به عنوان یک زن بیان می‌کند: در ابتدای ورود به این شغل فکر می‌کردیم خیلی سخت و سنگین باشد و نتوانیم در این کار موفق باشیم (شاید) حمل بعضی از وسایل آتش نشانی نسبت به آقایان برای ما سخت باشد اما خوشبختانه توانستیم خود را با سختی‌های این شغل

ربابه قائم‌پناه بانوی آتش نشان اهل کرمان است که با جان و دل در این حوزه فعالیت می‌کند.

او معتقد است که شغل آتش نشانی نیاز به عشق، ماجراجویی و علاقه به کمک به دیگران دارد و با گذشت زمان و کسب مهارت، سختی‌های کار کمتر به چشم می‌آید. او حضور زنان در این کار را بیانگر توانایی بالای آن‌ها در تمام عرصه‌ها می‌داند. این شغل با وجود خطرات و چالش‌هایش برای او جذاب بوده و مدام در حال آموزش است.

قائم‌پناه در ابتدا نگران بود که نتواند به عنوان یک زن در این حرفه موفق شود، اما با گذشت زمان توانسته است بر چالش‌ها غلبه کند. او در حال حاضر به عنوان آتش نشان در سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی کرمان فعالیت دارد.

وی با بیان اینکه تلخ‌ترین قسمت کار یک آتش نشان صدای زنگ حریق و حادثه است، می‌گوید: الهی هیچ وقت این زنگ به صدا در نیاید! دیدن صحنه‌های دلخراشی چون سوختگی، تصادف و مصدوم شدن افراد بسیار سخت و تلخ است.

نفسیه جعفری آتش نشان کرمانی مطرح کرد؛

از برخورد خوب مردم روحیه می‌گیریم



چه واکنشی نشان می‌دهند؟ جعفری در پاسخ گفت: همانطور که قبلا گفتم با توجه به اینکه کرمان اولین شهری است که آتش نشان زن دارد، اعتماد برای مردم سخت است و فکر می‌کنند که ما نمی‌توانیم وظیفه‌ی خود را به درستی انجام دهیم اما بعد از اتمام ماموریت، اقرار می‌کنند که واقعا فکر نمی‌کردند که ما بتوانیم کار خود را به خوبی انجام دهیم و بسیار تشکر کرده و به ما روحیه می‌دهند.

نفسیه جعفری، متولد ۱۳۶۳، دارای مدرک کارشناسی آتش نشانی از سال ۱۳۸۵ در کرمان در این سازمان خدمت رسانی می‌کند.

خبر برایمان می‌کنند. این حس خوبی به من می‌دهد.

او ادامه می‌دهد: با توجه به فرهنگ کشور ما و همچنین پیشرو بودن شهر کرمان در استخدام آتش نشان زن مطمئنا مشکلاتی پیش روی خانم‌ها وجود دارد. مردم عادت به دیدن آتش نشان خانم ندارند و اعتماد کردن به خانم‌ها برایشان سخت است و فکر می‌کنند که ما نمی‌توانیم مثل مردها وظیفه‌ی خود را به درستی انجام دهیم ولی ما چیزی از آقایان کم نداریم. ما در تمام عملیات‌ها تمام سعی خودمان را می‌کنیم. او اظهار می‌کند: در کل ایران نسبت به بعضی از کشورهای پیشرفته از امکانات کمتری برخوردار است و کرمان هم نسبت به شهرهای بزرگتر مثل تهران و اصفهان. اما نمی‌شود از حق گذشت، کرمان در سال‌های اخیر با مدیریت بسیار خوب مدیر عامل محترم جناب آقای دکتر بابایی، پیشرفت چشم‌گیری داشته است. چه از نظر روزرسانی و بازسازی ماشین‌آلات و تجهیزات و چه از نظر فراهم کردن امکانات رفاهی برای پرسنل قابل مقایسه با گذشته نیست.

از او پرسیدم: وقتی مردم شما را به عنوان یک آتش نشان زن در عملیات می‌بینند

نفسیه جعفری یکی دیگر از آتش نشانانی است که تجربه‌ی حضور در عملیات را دارد، او به شغل خود افتخار می‌کند و از کمک به دیگران لذت می‌برد. وی به دلیل علاقه‌اش به این حرفه، قبل از ورود به آن، تحقیقات لازم را انجام داده و در آزمون‌های استخدامی شرکت کرده است.

جعفری با ۱۸ سال سابقه، هم اکنون در بخش عملیات سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری کرمان مشغول به کار است. او تلخ‌ترین قسمت کار خود را اینگونه بیان می‌کند: اینکه با تمام تلاشی که میکنی گاهی آن نتیجه مناسبی که انتظار داری را نمی‌گیری و یا اینکه بعد از ماموریت اطفاء حریق می‌بینی که تمام دارایی یک نفر دود شده و آن لحظه با تمام ناامیدی که در چهره مال باخته است باید به او بگویی که خدا بخیر گذراند، خوشبختانه آسیب بیشتر از این نبود یا بدتر از آن زمانی که یک ماموریت، آسیب جسمی و یا جانی دارد تا مدت‌ها آن صحنه‌ها در ذهن می‌ماند.

وی درباره‌ی اینکه چه چیزی در این شغل برای او جذابیت بیشتری دارد، می‌گوید: اینکه مردم به چشم یک قهرمان به ما نگاه می‌کنند و بعد از هر عملیات چه اطفاء حریق باشد چه امداد و نجات دعای

مریم ذوالعلی آتش نشان کرمانی؛

چیزی به نام شغل زنانه و مردانه وجود ندارد

رانندگی کامیون، قصابی، تعمیرکاری، رانندگی اتوبوس و بسیاری مشاغل دیگر که پیش از این مردانه بود ورود کرده‌اند پس می‌توان نتیجه گرفت هر خانمی توانایی انجام مشاغل سخت را می‌تواند داشته باشد.

این آتش نشان کرمانی در پاسخ به اینکه چرا این شغل را انتخاب کرده‌اید؟ می‌گوید: آتش نشان شدن یکی از مشاغل پر مخاطره‌ای است که هر کسی را یاری ورود در آن نیست این کار عشق می‌خواهد اگر عشق در کار نباشد وارد شدن به این شغل محال است. او در ادامه، درباره‌ی چیزی که بیشتر در کار برایش جذاب است می‌گوید:

اینکه با سرعت و دقت، کاری را انجام بدهم و به هموعان و هموطنان کمک کنم هر لحظه‌اش سرشار از هیجان است. مخصوصاً وقتی بعد از اتمام عملیات پایان خوب و خوشی به همراه داشته باشد.

این آتش نشان اضافه می‌کند: با توجه به اینکه شغل آتش‌نشانی یک شغل تخصصی محسوب می‌شود و هیچ‌گاه حادثه خبر نمی‌کند لذا بایستی این سازمان دارای تجهیزات بیشتری از قبیل AFT، واترمیست خودرویی، نردبان ۵۶ متری، پهبادهای اطفایی و... باشد.

مریم ذوالعلی، متولد دوم شهریورماه ۱۳۶۶ و دارای مدرک لیسانس است. او از سال ۸۵ به عنوان آتش نشان زن در سازمان آتش‌نشانی کرمان مشغول به کار است.

مأموریت اعزام می‌شویم. در حقیقت وارد جایی می‌شویم که همه از آنجا فرار می‌کنند و حتی در برخی از موارد دیده‌ایم که افراد برای نجات جان خود، فرزند و اموالشان را رها می‌کنند. او واکنش مردم را هنگام حضورش به عنوان یک زن در سوانح اینگونه بیان می‌کند: همیشه هویت و نقش یک آتش نشان هنگام وقوع حادثه مشخص می‌شود وقتی اتفاقی برای شخصی رخ می‌دهد، اصلاً هیچ چیز را نمی‌تواند درک کند در واقع نمی‌تواند درک کند که من یک آتش نشانم و می‌خواهم به او کمک کنم. در این شرایط نه من را و نه هیچ‌کس دیگری را نمی‌پذیرد، شرایط بحرانی است و اساساً هم نباید بپذیرد اما برعکس گاهی اوقات می‌تواند نتیجه رضایت‌بخش به همراه داشته باشد و از ما تقدیر و تشکر می‌کند.

او ادامه داد: به عقیده من هیچ محدودیتی برای زن‌ها وجود ندارد. بسیاری کسانی که معتقدند زن‌ها قابلیت و توانایی انجام هر کاری را دارند و چون دارند باید وارد آن کار شوند حضور زنان در مشاغل سخت آن هم با به پای مردان چندان کار سختی نیست. در اکثر کشورهای غربی در بسیاری از مشاغل، زنان دوشادوش مردان به ایفای نقش می‌پردازند و اصلاً چیزی به نام شغل زنانه و مردانه وجود ندارد. به نظر ما هم نباید از دنیا عقب بمانیم در کشور خودمان در سال‌های اخیر زنان به مشاغلی از جمله



«آتش‌نشانی عشق می‌خواهد. اگر عشق در کار نباشد ورود به این شغل محال است». این، بخشی از اظهارات مریم ذوالعلی، آتش نشان کرمانی است.

او در گفت‌وگو با زن و اجتماع از کمک به هموعان در حین انجام وظایفش سخن می‌گوید و بر این باور است که هیچ محدودیتی برای زنان در مشاغل سخت وجود ندارد. او به نقش زنان در مشاغل مختلف اشاره کرده و تأکید می‌کند که در بسیاری از کشورهای غربی، زنان و مردان به طور برابر در مشاغل فعالیت می‌کنند و این روند باید در کشور خودمان نیز ادامه یابد. ذوالعلی در پاسخ به پرسشی درباره‌ی تلخ‌ترین قسمت کار خود، اظهار می‌کند: تلخ‌ترین قسمت کار یک آتش نشان استرس کار است. مخصوصاً زمانی که به

نغمه مؤیدی آتش نشان کرمانی؛

تجهیزات آتش‌نشانی در کرمان به حد قابل قبول رسیده است

کارها و دستورالعمل‌ها مردانه هستند. یعنی بر اساس مردها طراحی شده است. وی اظهار می‌کند: با نگاه ویژه شهردار محترم و پیگیری‌های مستمر مدیر عامل سازمان، جناب آقای دکتر بابایی برای خرید تجهیزات آتش‌نشانی باعث شده است که در حال حاضر امکانات و تجهیزات آتش‌نشانی به حد قابل قبول برسد. او درباره‌ی اینکه چه چیزی از این شغل برایش جذابیت بیشتری دارد؟ بیان می‌کند:

نجات بخش بودن این شغل و حس نوع دوستی و از خودگذشتگی آتش نشان. این شغل تنها به مبارزه با آتش سوزی محدود نمی‌شود بلکه آتش‌نشانان وظیفه حفاظت از جان انسان‌ها یا هر جاندار دیگری در سوانح مختلف را بر عهده خواهند داشت. نغمه مؤیدی، متولد ۱۳۶۱ در کرمان، دارای تحصیلات کارشناسی ارشد در مدیریت مالی و کارشناسی در ریاضی و مدیریت امداد در سوانح است.

تأکید دارد. این مدرس دانشگاه همچنین به چالش‌های موجود برای زنان در این حوزه اشاره می‌کند و بیان می‌کند که بسیاری از دستورالعمل‌ها و کارها برای مردان طراحی شده‌اند.

مؤیدی در گفت‌وگو با خبرنگار زن و اجتماع در پاسخ به اینکه چه شد آتش نشان شدیدی؟ توضیح می‌دهد: پیامبر(ص) می‌فرمایند: کسی که دسته‌ای از مسلمانان را از خطر سیل یا آتش سوزی نجات دهد، بهشت بر او واجب می‌شود. رشته تحصیلی و علاقه‌ای که در این حوزه داشتم. همچنین با توجه به اینکه همسرم در رشته ایمنی و آتش‌نشانی تخصص دارند و در حوزه آموزش ایمنی صنایع کار می‌کنند، بنده را نیز تشویق به این کار کردند.

وی درباره‌ی محدودیت‌هایی که به عنوان یک زن در کار خود دارد، می‌گوید: با توجه به روحیه و تفاوت‌هایی که زنان با مردان دارند و رشته‌ای که از نظر اکثر افراد جامعه مردانه می‌باشد، بسیاری از



نغمه مؤیدی که ۲۰ سال سابقه کار در سمت‌های معاون اداری و مالی، حسابرس و رئیس اداره مالی و اقتصادی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری کرمان را دارد، معتقد است شغل آتش‌نشانی فراتر از مبارزه با آتش سوزی است. او به اهمیت نجات جان انسان‌ها در حوادث و سوانح اشاره کرده و به حس نوع دوستی و از خودگذشتگی آتش‌نشانان

کرمانی که نمی شناسیم!

-سجاد شمس‌الدین سعید/

راهنمای گردشگری-

ما در کرمانیم! استانی که زادگاه قریب پنج میلیون نفر جمعیت است و طیف گسترده‌ای از اقوام و فرهنگ‌های مختلف را در خود جای داده است. کرمانی که بزرگترین استان کشور است و مرکز آن یکی از کلان شهرهای ایران عزیز شناخته می‌شود. استانی که از نظر آب و هوا بس شگفت انگیز است و هر آدم تنوع طلبی را راضی می‌کند. اما کرمانی‌ها چقدر «کرمان» را می‌شناسند؟ چقدر از نام بلند آن دفاع می‌کنند؟ چقدر قدر آن را می‌دانند؟ «کرمان» یکی از کهن ترین شهرها و استان های فلات ایران است. در قدیم با نام های متعددی از آن یاد شده است. نام هایی چون «بوتیا»، «کریمان»، «کارمانیا» و ... جزو نام‌های قدیم کرمان هستند. نام کرمان را در کتیبه های کهن دوره هخامنشی نیز می‌توان یافت. داریوش هخامنشی از کرمان به عنوان محلی نام می‌برد که چوب های کاخ هایشان از آن فراهم شده است. نام کرمان در کتیبه های مختلف عصر اشکانی و ساسانی نیز جای خوش کرده است. نام کرمان در

شعرهای گوناگون از شعرای مختلف نیز آورده شده است. از سعدی و مولوی بگیرد تا شاه نعمت‌آ... ولی خودمان که بازدید مقبره اش در ماهان، خود حظ فراوان دارد. می‌گویند نام کرمان به معنی کار و کوشش است و معنای دیگرش سرزمین مردمان بخشنده و کریم که انصافا بی‌راه نگفته‌اند. کرمان در شش دوره تاریخی گاه به تهنایی و گاه به همراه شهرهای همجوار خود به عنوان پایتخت ایران ایفای نقش کرده است. کرمان در دوران سلجوقیان، غزنوی، قراختائیان، آل بویه، آل مظفر و زندیه برای مدتی پایتخت ایران بوده است. آثار تاریخی و فرهنگی کرمان چنان برای دیگران جذاب بوده است که باعث گشته تا کرمان بیشتر آثار ثبت جهانی را به خود اختصاص دهد. باغ شاهزاده ماهان، ارگ بزم، کویر لوت، روستای صخره‌ای و دستکند میمند، سه قنات گوهر ریز چوپار و قاسم آباد و اکبر آباد در بروات بزم، دو کاروانسرای گنجعلیخان و چاه کوران در راور و همچنین گلیم شیرکی بیج کرمان همگی ثبت جهانی هستند. این ثبت جهانی شدن چنان اهمیت دارد که هر

ساله کشورهای مختلف برای آن تلاش می‌کنند که فخر کشورشان باشد و موجب جذب گردشگر و درآمدزایی گردد.

کرمان در میان تمام استان های دیگر ایران متنوع ترین صنایع دستی را دارد و بی‌سبب نیست که به عنوان شهر ملی صنایع دستی شناخته می‌شود. کرمان در دوران مختلف تاریخی میزبان اقوام مختلف از جمله ترک‌ها بوده است و به جهت حضور اقوام گوناگون در خطه خود، صنایع دستی گوناگونی نیز دارد.

تمام آنچه که گفتیم فقط گوشه ای بود از جمال و کمال کرمان عزیز که در دل ایران عزیز جای دارد. کرمانی که اگر درباره اش بدانیم شاید دفعه بعد که به طبیعتش رفتیم کمتر زبانه بریزیم و یک شاخه کمتر بشکنیم. کرمانی اگر به کویرش رفتیم بجای موسیقی بلند از سکوت بینظیرش لذت ببریم. کرمانی که با سینه پر غرور اهلس هستیم و به تاریخ و فرهنگ آن افتخار می‌کنیم. کرمانی که اگر روزگاری کسی درباره اش پرسید، در حد مثنوی حرف برای گفتن داشته باشیم.





ویژگی‌های یک شوینده‌ی مناسب برای صورت

بخشی از روتین ثابت شما باشد و این مشکلات را با محصولاتی که هدفمند برای این گونه مشکلات طراحی شده‌اند حل کنید.

کسانی که درگیر آکنه فعال و کیستی و شدید هستید و مجبور هستید از شوینده‌های حاوی سالیسیک اسید و یا بنزائیل پروکساید استفاده کنید، در نظر داشته باشید که فقط در دوران درمان از این شوینده‌ها استفاده کنید اما این شوینده‌ها نباید به عنوان شوینده اصلی و دائمی شما باشند. حتی در دوران درمان هم، صبح و شب از این شوینده‌ها استفاده نکنید.

اگر می‌خواهید دیگر از شوینده‌های معمولی استفاده نکنید و توصیه می‌کنم سراغ شوینده‌هایی بروید که ترکیبات آبرسان مثل گلیسرین و هیالورونیک اسید داخل آن‌ها است، شوینده‌هایی که در آن‌ها عصاره‌های گیاهی مفید مثل چای سبز یا سنتلا آسیاتیکا دارند و یا شوینده‌هایی که ترکیبات پروبیوتیکی دارند اما ترکیبات اکتیو دیگر معمولاً در حین شست‌وشو جذب پوست شما نمی‌شود و از همه مهمتر هر شوینده‌ای که بعد از شست‌وشو حالت کشیدگی، پوسته‌ریزی، زبری و یا افزایش خطوط حرکتی در پوست شما ایجاد کند مناسب نمی‌باشد، آن را کنار بگذارید.

استفاده می‌کنید، این ضعیف شدن سد دفاعی و ایمنی پوست به باکتری آکنه مهلت رشد بیشتری می‌دهد و در واقع جوش‌های شما بدتر می‌شود. اگر pH آن کمتر از این مقدار باشد نیز تبدیل می‌شود به لایه بردار که لایه لایه شاخی یا استراتوم کورنیوم (stratum corneum) را بیش از حد نازک می‌کند و باز هم به پوست آسیب می‌رساند. دومین نکته سورفاکتانت‌ها (Surfactant) هستند (عامل ایجاد کف در شوینده). همیشه ملایم‌ترین سورفاکتانت‌ها باید داخل شوینده‌های شما استفاده شود فارغ از اینکه چه تایپ پوستی دارید. سومین نکته: شوینده شما باید بافتی یک دست داشته باشد و در آن دانه‌های ریز و زبر که حالت اسکراب به پوست می‌دهند نداشته باشد.

نکته چهارم: چیزی به نام شوینده ضد لک و ضد چروک وجود ندارد زیرا ترکیباتی که اینکار را برای پوست انجام می‌دهد نمی‌تواند در زمان کوتاهی که شوینده روی صورت شماست جذب پوست شود پس تاثیر خاصی بر روی پوست شما نخواهد داشت. همچنین مشکلاتی مثل جوش، آکنه، منافذ، سرسیاه و چربی اضافی پوست قرار نیست تنها با یک شوینده حل شود بنابراین سعی کنید شوینده شما

-پریا زند و ثوقی /

مشاور مراقبت‌های پوستی -

اول از همه باید بدانیم که بافت شوینده هیچ ربطی به این‌که برای چه تایپ پوستی مناسب است، ندارد. این باور غلط که شوینده‌های فومی فقط برای پوست‌های چرب مناسب هستند و شوینده‌های کرمی فقط برای پوست‌های خشک را؛ فراموش کنید. به ترکیبات شوینده مربوط است نه بافت آن، مهمترین نکته توی شوینده‌ها pH آن‌ها است و مناسب‌ترین pH برای پوست ما بین ۴/۵ تا ۵/۵ است. در شوینده‌های با کیفیت معمولاً pH روی محصول ذکر شده است اما اگر ذکر نشده می‌توان با یک کاغذ pH که در تمام لوازم پزشکی‌ها موجود است تستش کنید. شوینده‌هایی که pH آن‌ها بالاتر از این مقدار باشد زیاد از حد قلیایی هستند و سطح دفاعی پوست را تضعیف می‌کنند که این ضعیف شدن، هم قابلیت حفظ رطوبت طبیعی پوست را از بین می‌برد و هم سیستم دفاعی پوست را مختل می‌کند که نمی‌تواند در مقابل عفونت‌های قارچی و باکتریایی و ویروسی از خودش دفاع کند به طور مثال اگر پوست چرب و مستعد جوش دارید و برای کاهش چربی پوست خود از شوینده‌های بیش از حد قلیایی



داستان فریدون با وکیل ضحاک



- حسنا خوشرو -

این مهمان نیست که شهرناز و ارنواز را از آن خود کرده و در شبستان تو رفت و آمد دارد.

چو کشور ز ضحاک بودی تهی

یکی مایه و ر بُد بسان زهی

که او داشتی گنج و تخت و سرای
شگفتی به دل سوژگی کدخدای

ورا کندرو خواندندی بنام

به کندی زدی پیش بیداد گام

بیامد چو پیش سپهد رسید

سراسر بگفت آنچه دید و شنید

بدو گفت کای شاه گردنکشان

به برگشتن کارت آمد نشان

سه مرد سرافراز بالشکری

فراز آمدند از دگر کشور

ازان سه یکی کهتر اندر میان

به بالای سرو و به چهر کیان

به سالست کهتر فزونیش بیش

از آن مهتران او نهد پای پیش

یکی گرز دارد چو یک لخت کوه

همی تابد اندر میان گروه

به اسپ اندر آمد بایوان شاه

دو پرمایه با او همیدون براه

بیامد به تخت کنی بر نشست

همه بند و نیرنگ تو کرد پست

ضحاک با شنیدن این حرف بسیار

عصبانی می‌شود و عصبانیتش را بر سر کندرو خالی می‌کند و اعتباری را که به او داد بود پس می‌گیرد. کندرو جواب داد: من اینطور فکر می‌کنم ای پادشاه... که تو هرگز دیگر به آن تخت پادشاهی نمی‌نشینی که بخواهی من را کدخدای بیت‌المقدس کنی و اگر دیگر پادشاه نباشی چه‌طور می‌خواهی به من جاه و مقامی بدهی؟ چرا تو اکنون به دنبال چاره‌ی کار خودت نمی‌گردی؟ تو باید دست به عمل بزنی و دنبال چاره بگردی چرا که چنین چیزی تا به حال برایت پیش نیامده است. دشمن تو آمده و با گریزی در دست، پادشاهی‌ات را تصاحب کرده است، تمام سحر و جادوهایت را از بین برده است و فرمان تو دیگر ارزشی ندارد. او حتی زن‌هایت را هم گرفته و قصرت را نیز تصاحب کرده است.

چرا تو نسازی همی کار خویش

که هرگز نیامدت ازین کار پیش

تُر ا دشمن آمد به گه برنشست

یکی گرزهُ گاوپیکر به دست

همه بند و نیرنگت از رنگ برد

دلارام بگرفت و گاهت سپرد

داستان به بندکشیده شدن ضحاک

را در قسمت بعد خواهیم خواند.

وزیر ضحاک (کندرو) که از ماجرای تسخیر کاخ باخبر می‌شود، سریعاً به کاخ می‌آید چرا که «ضحاک در نبودش شهر را به او امانت سپرده است. «کندرو»، «فریدون» را می‌بیند که در میان «شهرناز» و «ارنواز» نشسته است. در ابتدا زیرکی می‌کند؛ فریدون را می‌ستاید و دستوراتش را اجرا می‌کند. اوضاع که آرام می‌شود، مخفیانه سوار بر اسب شده و به سمت ضحاک می‌شتابد. خبر آمدن فریدون را به ضحاک می‌دهد و آنچه شده را بازگو می‌کند. به ضحاک می‌گوید که فریدون، تمام ویژگی‌هایی را که پیش‌گویان گفته‌اند دارد. ضحاک در ابتدا حرف‌هایش را جدی نمی‌گیرد و می‌گوید شاید مهمان است و تو اشتباه متوجه شدی. (این حجم از انکار از جانب ضحاک، عجیب است. یا ضحاک دوست ندارد باور کند که پیش‌گویی درست از آب درآمده و یا از ترس جانش، نمی‌خواهد حرف‌های کندرو را قبول کند و به پایتختش برگردد). اما کندرو به او می‌گوید که



مهديه فتاحی بانوی معدن‌کار در گفتگو با زن و اجتماع؛

اجبار ما را قوی کرد

● دولت می‌تواند در عدم اخذ مالیات

و یا دادن سوبسید به صنعت و معدن نگاه ویژه‌ای داشته باشد

به کارگیری خانم‌های فارغ التحصیل در معدن؛ اشتغال همزمان دوستان در معدن زغالسنگ در آن زمان، گرم و دوست داشتنی بودن شهر زرد و عزیزانی که با آن‌ها روزگار سپری کردم برای من دلایل و قوت قلبی بود که در این کار ماندگار شدم و تا ابد از اعطای این موهبت با تمام شیرینی‌ها و گاه‌ها غم‌هایش از خداوند سپاسگزارم.

■ از فعالیت‌ها و موفقیت‌های این به عنوان یک معدن‌کار برایمان بگو بید.

به قول «آنتون چخوف»: «پیروزی‌های چشمگیری ندارم، ولی می‌توانم با شکست‌هایی که زنده از آنها بیرون آمده‌ام غافلگیرت کنم.» همین که در این اجتماع با فرهنگ و باورهای سنتی مردسالار، بزرگان و صاحب نظرانی که در این زمینه

می‌باشم. فعالیت در معدن زغالسنگ را از سال ۱۳۸۵ آغاز کردم. دوره کارشناسی استخراج معدن در دانشکده صنعت و معدن زرد و کارشناسی ارشد را در دانشگاه شهید باهنر کرمان به پایان رساندم.

■ در بخش معدن و صنایع معدنی چه فعالیتی را انجام می‌دهید؟

فعالیت من در بخش استخراج و پیشروی‌های زیرزمینی معدن زغالسنگ، ابتدا به عنوان مسئول آماده‌سازی‌ها و سپس مسئول شیفت و سرپرست عملیات معدنی می‌باشد.

■ چگونه و با چه هدفی به این سمت حرکت کردید؟

نظر به سابقه تحصیل در شهر زرد، مساعدت و همت مسئولین وقت نظام مهندسی معدن کرمان (به‌طور خاص جناب آقای مهندس ادیب)، در

-مریم حیدری مقدم-

«مهديه فتاحی» بانویی متولد ۱۳۶۰ از خطه شهر بابک استان کرمان است و دارای مدرک کارشناسی ارشد دانشگاه باهنر کرمان می‌باشد؛ فعالیتش در معدن زغال سنگ را از سال ۱۳۸۵ آغاز نموده است و با طی فراز و نشیب‌های مسیر کاری‌اش هم اکنون به عنوان سرپرست عملیات معدنی مشغول به فعالیت می‌باشد. از نحوه ورودش به این مسیر و غم‌ها و شادی‌هایش برای‌مان گفته است. در این شماره گفتگو با این بانوی موفق را می‌خوانید.

■ در ابتدا لطفا خودتان را معرفی کنید.

مهديه فتاحی کرم هستم. متولد ۱۳۶۰ در شهرستان شهر بابک استان کرمان و دارای یک فرزند

معادن زغالسنگ استرالیا، بیش از دوبرابر تولید سالیانه معادن زغالسنگ ایران است.

■ از سمت مسئولان چه کمک‌هایی به بخش معدن و صنایع معدنی شده است؟

البته من در حوزه‌های کلان بالا دستی اطلاعات کافی ندارم و صد البته اصلاً صاحب نظر نیستم. ولی آنچه که من با دانش امروز می‌دانم این است که هر بنگاه تولیدی، صنعتی و معدنی چه دولتی و چه خصوصی باید سودآور باشد، اگر سودآور نیست، حداقل بایستی مدیریت و توانایی اداره مالی مجموعه خود را در هر شرایطی داشته باشد. به نظر می‌رسد بسیاری از شرکت‌ها و معادن خصوصی تا حدی با مدیریت به این اهم دست یافته‌اند. این که قرار باشد یک بنگاه تولیدی یا معدنی، دست در جیب خزانه دولت داشته باشد، عقلانی و منطقی نیست. با این حال مسئولین بالادست برای جلوگیری از ایجاد بحران‌های اجتماعی و کارگری به بنگاه‌های ضررده کمک‌های ویژه‌ای می‌کنند. گاهی پیشنهاد می‌کنند برای کمک حداقلی، دولت در عدم اخذ مالیات و یا دادن سوبسید به این موارد نگاه ویژه‌ای داشته باشد. البته در برخی موارد هم اظهار می‌دارند که واردات مواد معدنی (به عنوان مثال زغالسنگ)، با ارز دولتی و با قیمتی بسیار کمتر از هزینه خرید همان ماده معدنی در داخل کشور (قیمت بالا در داخل کشور به دلیل سنتی بودن روش‌های استخراج و عدم استفاده از تکنولوژی‌های روز دنیا در فرایند استخراج و نهایتاً تناژ کم تولید و راندمان بسیار پایین نیروی کار)، به معادن و صنایع بومی آسیب رسانده و از نهادهای ذی ربط تقاضا دارند که این روال واردات به نحوی کنترل و مدیریت شود تا معادن و صنایع داخلی نیز آسیب نبینند.

■ آینده معدن و صنایع معدنی ایران را چگونه می‌بینید؟

آنچه که عیان است مشکل اساسی اقتصاد ایران تحریم و انزوا و سایه سنگین سیاست بر اقتصاد است. تا اینها رفع نشود بهبود حال اقتصاد ایران محال است و رفع اینها در جایگاهی فراتر از کمک‌های این مسئول و آن مسئول دارد.

مردانی که زنجیره‌های تنگ نظری را بشکنند و همسرانشان را به اوج افتخار برسانند. در چنین خانواده‌ای کودکان چه دختر و چه پسر بزرگ می‌شوند و یاد می‌گیرند که ارزش و احترام به هر دو جنس تعلق دارد.»

واقعا می‌طلبید که چه در کار، چه در سفر و چه در زندگی همراه خوبی داشته باشیم. همراه خوب راه طولانی را کوتاه و لحظات طی مسیر را آرام و شاد می‌کند. کاش یاد بگیریم در طی این مسیر نه چندان راحت زندگی، یار شاطر باشیم نه بار خاطر.

■ تحریم‌ها چه تاثیری بر کار و حرفه شما داشته است؟

به قول «سیامک قاسمی» (مدیر موسسه اقتصادی بامداد): «یعنی اگر «میلتون فرید من» فقید از گور برخیزد و بیاید باب همایون و وزیر اقتصاد ایران شود، اگر «جنت یلن» از وزرات خزانه داری آمریکا بیاید بهارستان و رییس سازمان و برنامه ایران شود و «کریستین لاگارد» از بانک مرکزی اروپا بیاید میرداماد و رییس بانک مرکزی ایران شود، اوضاع اقتصادی ایران تفاوت چندانی با حال حاضر ندارد. ریل اقتصاد از سیاست‌های کلان و سیاست خارجی می‌گذرد و کلید حل مشکلات آنجاست. تا تحریم‌های آمریکا برداشته نشود، اقتصاد ایران روی آرامش به خود نخواهد دید.»



وظیفه یک مدیر مراقبت کردن است و زمینه رشد و نشان دادن توانمندی‌ها از سایه همین حمایت و اقتدار مدیران بالا دست برای امثال من فراهم شده است.

اساس توسعه در دنیای جدید بویژه برای کشورهای در حال توسعه جذب سرمایه است. وقتی سرمایه‌گذار مقتدری ورود نکند، تکنولوژی‌های جدید هم وارد صنعت و معدن نخواهد شد. نیروی کار هم با مهارت‌های نوین جهانی آشنا نخواهد شد. هزینه‌های تولید بالا خواهد رفت و دولت به ناچار باید بار بنگاه‌های تولیدی زبان ده را بر دوش بکشد. یک مثال ساده و ابتدایی بیاوریم تولید یک روز کاری

استخوانی ترکانده‌اند، مجاب شده‌اند که در این کار پر ریسک و پر خطر، چنین سکانی به دست امثال من بدهند کم موفقیت و افتخاری نیست. ساده و راحت تر بگویم شاید برای موفق شدن مجبور بودیم و همین اجبار ما را قوی کرد.

■ در طی این مسیر با چه چالش‌هایی روبرو بوده‌اید؟ و آیا جنسیت در بوجود آمدن این چالش‌ها نقشی داشته است؟

به قول «آدم گرانت»: «یک مدیر سمی از پشت به شما خنجر می‌زند، یک مدیر خودخواه شما را عقب نگه می‌دارد و یک مدیر حمایتگر پشتوانه شماست و شما را رو به جلو می‌برد.» شخصیت کسانی که با آنها کار می‌کنید بسیار مهم‌تر از کاری هست که انجام می‌دهید و به قول معروف: first who, then what. در مجموعه‌ای مشغول به کار شدم که دیسپلین و قانون محکمی داشت و مدیران معدنی بسیار مقتدری (به طور خاص مورد بسیار تاثیر گذار در ابتدای کار من حضور «مهندس قربی» به عنوان مدیر معدن)، سکاندار این مجموعه بودند. اصلاً در اینکه اگر اقتدار و حمایت این بزرگان نبود، عزت و اقتدار ابتدا به ساکن برای کسی مانند من در مجموعه کارگری هم نبود، شکی نیست. وظیفه یک مدیر مراقبت کردن است و زمینه رشد و نشان دادن توانمندی‌ها از سایه همین حمایت و اقتدار مدیران بالا دست برای امثال من فراهم شده است. و ناگفته نماند مجموعه کاری ما آنقدر صمیمی، یکدست و منضبط بود و هست که بی اغراق من از تمام همکارانی که در این سال‌ها با هم بودیم و هستیم از صمیم قلب سپاسگزارم.

■ آیا توانسته‌اید بین زندگی شخصی و فعالیت معدنکاری خود تعادل ایجاد کنید؟

در این جامعه سنتی و مرد سالار که به کلام، مدرنیته را می‌خواهد و در جان نه؛ گفته آقای «بیژن بیرنگ» کارگردان فقید است: «که زن پشت سر مرد نیست، بلکه در کنارش ایستاده. در دنیایی که هنوز قصه‌های افتخار را تنها برای مردان می‌نویسند، کجاست آن روز که زن، با همان لطافت و زیبایی اش قهرمان قصه‌ها شود؟ ما به مردانی نیاز داریم که از شکوفایی و بالندگی زنانشان به وجد بیایند،



چواندازی

-سمانه شعبانی / داستان نویسی-

طبق روال هر روز؛ رأس ساعت ۶:۲۰ صبح پیکان سفیدرنگ و قراضه آقای دامغانی جلوی پایم ترمز زد. به جرأت می توان گفت که او وقت شناس ترین راننده سرویس شهر بود. طبق معمول «سپیده» که همسایه دامغانی بود و اول از همه سوار می شد جلو نشسته بود. «فریما»، «نرگس» و «آرزو» هم عقب نشسته بودند. من هم که آخرین نفر بودم در عقب را باز کردم و کنارشان نشستم، حرکت کردیم. بحث داغ بود و هر کسی چیزی می گفت، بعد از گذشت مدت کوتاهی متوجه شدم بحث پیرامون گم شدن دختر مهندس رشیدی است. سپیده گفت: «حتماً دزدیدنش، مگه گم شدن به همی آسونیاست». نرگس از کنار من صدایش را بلند کرد و گفت: «خداکنه بلایی سرش نیارن». دامغانی گفت: «دختره حتماً مشکلی چیزی داشته؛ قضیه دشمنی بوده، وگرنه کی میاد یکوی همیطوری الکی بُدزه؟» من که رگ انسان دوستی ام

باد کرده بود برای پایان دادن بحث، تا بیش از آن پشت سر دختر مردم حرف نزنند به دروغ گفتم: «ای بابا آقای دامغانی! دختره هفت سال بیشتر نداشته مشکل داشتنش کجا بود؟!» دامغانی با نگاهی متعجب و البته مسرور از کشف اخبار جدید داخل آینه وسط، عقب ماشین را نگاه کرد و رو به من گفت: «راس میگی؟!» ضربه نهایی را آنجا زدم که گفتم: «آره بابا، تازه میگن کاره راننده سرویسشه، حتماً برا پول بوده، توی این شهر کیه که ندونه مهندس رشیدی وضع مالی خوبی داره، حتماً فکر پول و باج گرفتن وسوسه اش کرده؛ عجب آدم های بیشرفی پیدا میشن» دامغانی باشنیدن «راننده سرویس» خودش را جمع و جور کرد و دیگر تا مدرسه یک کلمه هم حرف نزد.

بعد از ظهر با صدای خنده های بلند «پیکر»، زن همسایه از خواب بیدار شدم. حتماً آمده بود حاضریه بعد از ظهرش را بزند و اخبار را بدهد و اخبار جدید را بگیرد و برود. هرچه صبر کردم؛ قصد رفتن نداشت. ناگزیر از اتاق بیرون آمدم. بساط غیبت کردنشان به راه بود و با مادرم نشسته بودن چای می خوردن و غیبت میکردن. عطر چای هل در هوا پیچیده بود؛ دلم هوس کرد. کنارشان نشستم و برای خودم چای

ریختم. همین که قند در دهانم گذاشتم و قدری چای سر کشیدم. «پیکر» آمد توی صورتم و گفت: «خبر داری دختره هفت ساله ای آ مهندس رشیدی دُزیدن؛ میگن کار راننده سرویس بچه بوده» این را که گفت قند و چای و آب دهانم با هم در گلویم پریدن و نزدیک بود خفه شم. به سرفه زدن افتادم. حالا نزن کی بزنی. بیچاره پیکر که فکر می کرد از خبر داغی که داده یکه خوردم و می گفت: «کاش نگفته بودم». نمی دانست که سازنده این بخش از خبر خود من بودم. چطور به فاصله یک صبح تا عصر حرفی را که من فقط در یک جمع کوچک گفته بودم چرخیده بود و برگشته بود نزد خودم. «الله اکبر» خدایا به تو پناه می برم. اگر راننده سرویس بخت برگشته را برای بازجویی به آگاهی برده باشند چه؟ اصلاً به من چه؟ اصلاً شاید واقعا راننده سرویس مقصر بوده و من باعث خیر شده بودم. شایدم واقعاً دختر هفت سالش بوده. اما تمام این سال ها هربار که از جلوی عمارت مهندس رد می شدم؛ دلم می خواست در بنم و بیرسم دخترتان هفت سالش بود یا بیرسم واقعا راننده سرویس در این قضیه دست داشت؟ اما هربار ترسیدم که به عنوان یکی از عاملین اصلی دستگیرم کنند و برای بازجویی به آگاهی ببرند.



آیا امروز با روایت سروکار داریم؟



لیلا راهدار /
دبیر انجمن داستان کرمان -

همانطور که اسباب و آلات زندگی به سمت مدرنیته پیشرفت می‌کند، روایت نیز مسیر رشد و مدرنیته را طی می‌کند.

قبل از همه گیر شدن سوشال مدیا به شکل امروزی آن نظریه ی «پایان باز» برای داستان‌ها مطرح شد. این که خواننده عنصری جدا نشدنی از سه ضلع «متن»، «نویسنده» و «خواننده» است و هر «متن» با این سه، مفهوم می‌یابد. این ایده‌ی مدرن باعث ایجاد مشارکت خواننده در طرح ریزی و ساختار روایت شد و این شکل پایان باز، از نقاشی تا فیلم، گسترده شد. اما اتفاق جدید و مدرنی که با سوشال مدیا افتاد دقیقا همین بود. هر خبر، داستان یا عکس نوشته‌ای می‌توانست به

اندازه‌ی تمام خوانندگان پایان‌ها و حتی آغازهای متفاوت و متناقضی را تجربه کند. چنانچه وی به راحتی می‌توانست دست در شکل نوشته ببرد و آن را فرورد کند. بدین شکل روایت‌های بی‌نهایت و خاصی از یک اتفاق، مفهوم خود را بسازند. و این شکل ارتباط جمعی تا حد زیادی بر ساختار فرم نیز موثر واقع شد.



**ورود تمام خوانندگان
به ساحت ساخت
جمله و ادبیات مربوط
به همین سوشال مدیا
است و داستان از
متکلم وحدت بودن
تبدیل به ابزاری کاملا
جمعی می‌شود.**

علاوه بر اینکه فرم‌های مینی مال را بر ساخت کرد، بلکه مشارکت خواننده را در امر روایت به حداکثر زمان تجربه شده ی خود رساند. تا حدی که رسانه ای چون اخبار، می‌تواند امروزه گزارشگرانی از افراد عادی داشته باشد که بدین شکل مفاهیم متفاوت و دیدگاه‌های مختلف خود را با دوربین، ضبط و با انواع وسایل ارتباط جمعی بازتاب دهد.

آنچه می‌توان گفت چنین است: نظریات مدرنیسم در داستان‌گویی به شکل کاملاً جدی در حال اجراست. همین‌طور که کیفیت زندگی در این زمان بر محتوا موثر بوده است؛ بر فرم نیز تأثیر بسیاری داشته که مهم‌ترین آن، ورود تمام خوانندگان به ساحت ساخت جمله و ادبیات مربوط به همین سوشال مدیا است و داستان از متکلم وحدت بودن تبدیل به ابزاری کاملاً جمعی می‌شود.



جشن مهرگان

به آیین، یکی جشن نو ساختند
نشستند فرزنانگان،
شادکام
گرفتند هر یک ز یاقوت، جام
می روشن و چهره‌ی شاه، نو
جهان نوز داد از سر ماه نو
بفرمود تا آتش افروختند
همه عنبر و زعفران سوختند
پرسیتیدین «مهرگان» دین اوست
تن آسانی و خوردن آیین اوست
اگر یادگار است از ماه و مهر
بکوش و به رنج ایچ منمای چهر
«بیرونی» هم در مورد جشن مهرگان
اینگونه نگاشته است: «شانزدهم روز
است از مهرماه و نامش مهر و اندرین
روز از فریدون ظفر یافت بر بیورسب
جادو آنک معروف است به ضحاک و به
کوه دماوند بازداشت و روزها که سپس
مهرگان است همه جشن‌اند بر کردار
آنچه از پس نوروز بود. ششم آن مهرگان
بزرگ بود و رام یک روز نام و بدین
داندش.»

هم بعد از به تخت نشستن، ظلم و
ستم به ایرانیان را در پیش گرفت. او
ایرانیان زیادی را کشت که در بین
این کشته شدگان چند تن از پسران
«کاوه» هم بودند. «کاوه» بعد از این
اتفاق مردم را برای مقابله با ظلم و
ستم «ضحاک» متحد کرد تا با کمک
«فریدون» او را از تخت پایین کشند و
«فریدون» را بر تخت بنشانند.

«فردوسی بزرگ» جشن مهرگان را
روزی می‌داند که «فریدون» بر تخت
پادشاهی ایران نشست و تاج‌گذاری
کرد.

فریدون چو شد بر جهان کامکار
ندانست جز خویشتن شهریار
به رسم کیان تاج و تخت مهی
نیاراست با کاخ شاهنشهی
به روز خجسته سر ماه مهر
به سر بر نهاد آن کیانی کلاه
زمانه بی اندوه گشت از بدی
گرفتند هر کس زه پخردی
دل از داوری‌ها سپرداختند

در تقویم اوستایی هر سال دوفصل
دارد. یکی فصل تابستان بزرگ و یکی
هم زمستان بزرگ که ایرانیان ابتدای هر
فصل را به جشن و پایکوبی و شکرگزاری
می‌پرداختند. جشن آغاز تابستان که
همان «جشن نوروز» بود و جشن آغاز
زمستان هم «جشن مهرگان» بود که در
۱۶ مهر ماه برگزار می‌شد. ایرانیان برای
برپایی جشن مهرگان همانند جشن
نوروز از قبل خانه تکانی می‌کردند و
در روز جشن هم سفره‌ای در اطراف
آتشی با تم ارغوانی بهن می‌کردند و در
آن انواع خوراکی‌هایی مانند میوه‌های
پاییزی که رنگ سرخ دارند، شیرینی،
آجیل، گل و ریحان، ظرفی گلاب و آش
هفت غله (قله) می‌گذاشتند.

دلیل دوم اهمیت این جشن برای
ایرانیان، «قیام کاوه» است. در زمان
پادشاهی «جمشید» که ایرانیان امنیت
خود را از دست داده بودند و به دنبال
پادشاهی جدید بودند، از پادشاهی
«ضحاک» استقبال کردند. «ضحاک»

فنگ شویی و فرهنگ ایرانی



- لیدا درانی زاده -

همان طور که در شماره قبل قول داده ام ؛ در این جلسه در مورد نحوه استفاده از علم فنگ شویی در فرهنگ ایرانی توضیحاتی خواهم داد. ۱- خانه تکانی: بهترین زمان خانه تکانی اسفند ماه و نزدیک به بهار است. ما ایرانی ها رسم خانه تکانی داریم و در فنگ شویی مراحل رفع انباشتگی و پاکسازی به حساب می آید.

۲- نمادهای سفره هفت سین: مثل اسفند، مادر فرهنگ خودمان به انرژی منفی، «چشم و نذر» و به انرژی مثبت، «شانس» می گوئیم که در علم فنگ شویی به انرژی منفی «شاجی» و به انرژی مثبت «چی» می گوئیم. که اسفند به خاطر دفع چشم و نذر یا انرژی منفی، بر سر سفره هفت سین استفاده می شود. ماهی قرمز سفره هفت سین، در فنگ شویی نماد ثروت است و تنگ آب ماهی نماد عنصر، آب است. سبزه هم در فنگ شویی نماد عنصر چوب را دارد. سکه نماد ثروت و فراوانی را دارد و آینه و شمعدان سفره

هفت سین که آینه بهترین درمانگر در فنگ شویی است و شمعدان ها برای تقویت بخش عشقی استفاده می شود.

۵- استفاده از سنگ نمک و سرکه در منزل: که از سنگ نمک و «ان یکاد» کنار هم استفاده می شود، و سرکه را هم در پاکسازی استفاده می کنیم.

چه باور کنیم یا نکنیم، فنگ شویی و انرژی مثبت و منفی، بر روی ما تاثیر دارد و تا زمانی که به علم فنگ شویی عمل کنیم می توانیم معجزاتش را در زندگی مان ببینیم.

۳- خوش یمن بودن خانه، ماشین یا مغازه که در جلسه اول راجع به این مساله توضیح دادیم.

۴- پشت سر مسافر آب ریختن: زمانی که یکی از دوستان و نزدیکان ما قصد مسافرت دارد و از آنجایی که ما از رفتن او ناراحت هستیم و این قضیه انرژی منفی به همراه دارد، که با آب ریختن پشت سرش این انرژی منفی





سهم ناچیز زنان از اشتغال صنعتی

-اسما محمودی-

سهم زنان در صنعت ایران، با وجود برخی پیشرفت‌ها، همچنان محدود است و این چالش‌ها مانع از بهره‌مندی کشور از پتانسیل‌های زنان در توسعه اقتصادی می‌شود. نرخ مشارکت اقتصادی زنان در سال ۱۴۰۲ به ۱۴.۲ درصد رسید که افزایشی ۰.۶ درصدی نسبت به سال قبل را نشان می‌دهد. با این وجود، فاصله عمیق این عدد با نرخ مشارکت مردان که ۶۸.۴ درصد است، بیانگر مشکلات ساختاری و فرهنگی موجود در جامعه ایران است. این فاصله نشان‌دهنده نیاز به سیاست‌گذاری‌های مؤثر برای بهبود شرایط کاری زنان و افزایش مشارکت آنها در بخش‌های مختلف اقتصادی، به‌ویژه صنعت است.

صنعت یکی از حوزه‌هایی است که به طور تاریخی، حضور زنان در آن کمتر بوده است. اگرچه انقلاب صنعتی در قرن ۱۸ و ۱۹ نقطه آغاز ورود زنان به صنایع بود، اما این ورود بیشتر به مشاغل کم‌مهارت و کم‌درآمد محدود شد. با گذشت زمان و در دوران جنگ‌های جهانی، نقش زنان در صنایع تقویت شد، به ویژه در صنایع نظامی و سنگین. اما با بازگشت مردان از جنگ، زنان مجدداً به حاشیه رانده شدند و این روند تا امروز در بسیاری از نقاط جهان، از جمله ایران، ادامه داشته است.

طبق آمارهای منتشر شده در سال ۱۴۰۲، تعداد زنان شاغل در بخش صنعت ایران به بیش از یک میلیون نفر رسید که رشدی ۳.۵۵ درصدی نسبت به سال قبل داشته است. اما نکته قابل توجه این

است که سهم زنان از کل اشتغال در بخش صنعت از ۲۶.۶ درصد به ۲۵.۷ درصد کاهش یافته است. این کاهش سهم، حتی با افزایش تعداد زنان شاغل، نشان‌دهنده رشد نامتوازن اشتغال در صنعت به نفع مردان است. این مسئله ناشی از عواملی مانند تفاوت در دسترسی به مهارت‌های موردنیاز، تبعیض‌های جنسیتی در فرآیند استخدام و نابرابری‌های ساختاری است که زنان را از مشارکت فعال‌تر در این حوزه بازمی‌دارد.

یکی از چالش‌های مهم در راه حضور پررنگ‌تر زنان در صنایع، به‌ویژه صنایع سنگین، باور عمومی به نیاز این صنایع به «توانایی فیزیکی» بالاست. این تصور که صنایع سنگین نیازمند نیروی کار بدنی قوی است، مانعی بزرگ برای ورود زنان به این حوزه‌ها ایجاد کرده است. اما با پیشرفت‌های تکنولوژیک و خودکار شدن بسیاری از فعالیت‌های صنعتی، این نیاز فیزیکی کاهش یافته و فرصت‌های بیشتری برای ورود زنان به حوزه‌های مدیریت، مهندسی و طراحی فراهم شده است. طبق گزارش‌های جهانی، تا سال ۲۰۳۰، حدود ۵۰ درصد از فعالیت‌های کاری قابل اتوماسیون خواهند بود که این امر نیاز به مهارت‌های شناختی و تحلیلی را افزایش می‌دهد؛ حوزه‌هایی که زنان توانمندی‌های زیادی در آن‌ها دارند.

با این حال، حضور زنان در صنایع همچنان با موانع ساختاری و فرهنگی روبه‌رو است. یکی از مهم‌ترین این موانع، تبعیض جنسیتی در استخدام و ارتقای شغلی است. زنان اغلب در پست‌های مدیریتی و کلیدی حضور کمتری دارند

و این امر باعث می‌شود که دیدگاه‌ها و نیازهای آنان در تصمیم‌گیری‌های کلان نادیده گرفته شود. به عنوان مثال، در سال ۲۰۲۰ تنها ۷.۴ درصد از مدیران ارشد اجرایی در ۵۰۰ شرکت برتر صنعتی جهان زنان بودند. این فقدان نمایندگی در سطوح مدیریتی می‌تواند انگیزه و اعتمادبه‌نفس زنان جوان برای ورود به صنعت را کاهش دهد.

یکی دیگر از چالش‌های مهم، تفاوت دستمزدی بین زنان و مردان است. طبق گزارش‌های سازمان بین‌المللی کار، زنان در صنایع تولیدی به‌طور متوسط ۲۸ درصد کمتر از مردان در موقعیت‌های مشابه درآمد دارند. این شکاف دستمزدی نه تنها ناعادلانه است، بلکه انگیزه زنان را برای ورود و ماندگاری در این بخش‌ها کاهش می‌دهد. همچنین، بار مضاعف کارهای خانگی و مسئولیت‌های مراقبت از خانواده که به‌طور سنتی بر دوش زنان است، فشار مضاعفی بر آن‌ها وارد می‌کند. مطالعات نشان داده است که زنان شاغل در صنایع به‌طور میانگین ۴.۵ ساعت بیشتر در هفته به کارهای خانگی و مراقبت از فرزندان می‌پردازند که این امر بر عملکرد شغلی و فرصت‌های پیشرفت آن‌ها تأثیر منفی دارد.

در ایران، یکی دیگر از مشکلات اساسی، نرخ بالای بیکاری زنان تحصیل‌کرده است. در حالی که نرخ بیکاری زنان فارغ‌التحصیل دانشگاهی در سال ۱۴۰۲ با کاهش ۱.۶ درصدی به ۲۰.۳ درصد رسیده است، این عدد همچنان نشان‌دهنده ناتوانی بازار کار در جذب نیروهای متخصص زن است. عدم تطابق بین

مهارت‌های آموخته‌شده در دانشگاه‌ها و نیازهای بازار کار، به‌ویژه در صنعت، از دلایل اصلی این مشکل است. برای بهبود وضعیت زنان در صنعت ایران، نیاز به اقدامات جامعی وجود دارد. یکی از مهم‌ترین این اقدامات، افزایش دسترسی زنان به آموزش‌های مهارتی متناسب با نیازهای بخش صنعت است. همچنین، مبارزه با تبعیض‌های جنسیتی در محیط‌های کاری و ایجاد تسهیلاتی برای توازن بین کار و زندگی خانوادگی، از جمله راهکارهایی است که می‌تواند مشارکت زنان را در صنعت افزایش دهد. سیاست‌گذاری‌های تشویقی برای کارفرمایان به منظور استخدام و ارتقای زنان نیز می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد. بهبود شرایط کاری و ایمنی در محیط‌های صنعتی نیز از دیگر عواملی است که می‌تواند حضور زنان را تقویت کند. مطالعات نشان می‌دهد که بهبود این شرایط می‌تواند تا ۳۰ درصد نرخ ماندگاری زنان در صنایع سنگین را افزایش دهد.

در نهایت، حضور زنان در صنعت نه تنها به توانمندسازی اقتصادی آنان کمک می‌کند، بلکه برای رشد و توسعه اقتصادی کشور نیز ضروری است. بهره‌گیری از ظرفیت نیمی از جمعیت کشور در فعالیت‌های صنعتی، می‌تواند نقشی کلیدی در دستیابی به توسعه پایدار و جامع ایران ایفا کند. مشارکت بیشتر زنان در صنعت به معنای افزایش تنوع نیروی کار و بهره‌وری بیشتر است؛ امری که می‌تواند به شکوفایی اقتصادی کشور منجر شود.